

**Original Research**

## **Sociological Study of Inter-Ethnic Relationship in Talesh City**

**Mohammad Reza Gholami<sup>1</sup>, Hadi Noori<sup>2</sup> & Seyedeh Aliye Mirfazli<sup>3</sup>**

Received: April 04, 2020; Revised: May 12, 2020; Accepted: May 24, 2020

### **Abstract**

The aim of the present survey is to recognize and describe the relations between Talesh, Turk, and Gilak races. In this study, the qualitative method and semi-structured interview have been employed. The results of the study revealed that there are normal and positive communications between the three races in terms of social and economic relations. Although there are remarkable similarities and cultural adaptation in terms of language and customs, there are differences in cultural relations due to this fact that Turk people consider their culture closer to Talesh's in observing some bonds generally. Regards to cultural differences, Gilak people feel a closer relationship to Talesh people due to long years of neighborhood and coexistence. Talesh people stated that the cultural features/traits of Talesh and Turk are similar too, in terms of some cultural issues such as the way of clothing and some bonds and customs like marriage. Although the three races in the first instance admit definitely that they're all Iranian and Muslim in terms of political relations and this fact that the ethnicity has no effect on their relations, decisions and political behaviors, but they believed that ethnicity and religion have an impact on political power, position and management. Talesh people and especially the Sunni of the region underestimated their portion of having valuable opportunities and sources. The respondents believed that there are natural differences between races but the government's way of policy-making intensifies the differences and makes them more noticeable.

**Keywords:** Ethnic Relationship, Ethnicity, Talesh, Turk, Gilak.

---

1. Assistant Prof. in Department of Social Sciences, University of Gilan; Rasht, Iran  
(Corresponding Author). Email: mgholami2014@yahoo.com  
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-5040-3938>

2. Assistant Prof. in Department of Social Sciences, University of Gilan; Rasht, Iran.  
Email: h.k.noori@yahoo.com  
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-3747-917X>

3. Master of Social Sciences, University of Gilan: Rasht, Iran.  
Email: aliye.mirfazli@gmail.com

## بررسی جامعه‌شناختی مناسبات بین قومی در شهرستان تالش

محمد رضا غلامی<sup>۱</sup>، هادی نوری<sup>۲</sup>، سیده عالیبه میرفضلی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۴

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و توصیف مناسبات بین اقوام تالش، ترک و گیلک ساکن در شهرستان تالش است. در این پژوهش به تناسب موضوع مورد مطالعه، به منظور گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و به منظور تحلیل آن‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۱ نفر از قوم تالش، ۱۰ نفر از قوم ترک و ۱۰ نفر از قوم گیلک می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نوع مناسبات اجتماعی و اقتصادی بین اقوام تالش-ترک، ترک-گیلک و تالش-گیلک از نوع تنیده شده و با معنادار بودن عنصر تماس می‌باشد. همچنین نوع مناسبات فرهنگی بین ترک-تالش و گیلک-تالش نیز چنین است. اما مناسبات فرهنگی بین ترک-گیلک از نوع تنیده شده نسبی است. در نهایت مناسبات سیاسی بین ترک-تالش از نوع تنیده شده و گیلک-تالش و ترک-گیلک از نوع تنیده شده سوء یافته می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** مناسبات بین قومی، شهرستان تالش، تالش، ترک، گیلک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان؛ رشت، ایران (نویسنده مسئول).

Email: mgholami2014@yahoo.com

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-5040-3938>

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان؛ رشت، ایران.

Email: h.k.noori@yahoo.com

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-3747-917X>

۳. دانش‌آموخته کارشناس‌ارشد علوم اجتماعی دانشگاه گیلان؛ رشت، ایران.

aliye.mirfazli@gmail.com

## ۱. مقدمه

هیچ بشری بی‌نیاز از رابطه با دیگران نیست و این ارتباط است که اساس شکل‌گیری جوامع بشری است. خانواده، خویشاوندان، مکانی که فرد در آن به دنیا آمده است، زبانی که با آن می‌تواند معانی خود را انتقال دهد، نمادهایی که درک یکسانی از آن با دیگران دارد و باورها و اعتقاداتی که مبنای رفتار او با دیگران است و کنش‌هایش را شکل می‌دهد، بخشی از تعلقات و ویژگی‌های هویتی او را شکل می‌دهد. دیگران نیز مانند او تعلقاتی دارند؛ در برخی از ویژگی‌های هویتی او شریک‌اند و در برخی متفاوت. گروه‌ها و اقوام به‌واسطه همین تفاوت‌هاست که از هم متمایز می‌شوند. اما تعلق به یک گروه قومی و نژادی خاص، انسان را از ایجاد رابطه با دیگران بی‌نیاز نمی‌کند و هیچ گروه قومی را نمی‌توان پیدا کرد که بدون روابط با گروه‌های دیگر قومی توانسته باشد به بالندگی و شکوفایی برسد. در جوامع مختلف درجات متفاوتی از ناهمگونی قومی وجود دارد و تعداد معدودی از کشورها تنها دارای یک گروه قومی هستند. وجود ناهمگونی و تنوع قومی امری طبیعی و واقعیت انکارناپذیر تاریخ جوامع بشری است.

کشور ایران نیز با توجه به کثرت گروه‌های قومی، نژادی و زبانی در زمره جوامع برخوردار از تنوع قومی در نظر گرفته می‌شود. این تنوع قومی در صورت نبود برخی از الزامات ساختاری می‌تواند سبب تزلزل نظم و انسجام موجود در جوامع گردد. در عین حال همین تنوع قومی می‌تواند به‌عنوان نشانه توسعه‌یافتگی سیاسی یک جامعه نیز در نظر گرفته شود. علاوه بر این تنوع قومی، قرار گرفتن قومیت‌ها در همسایگی کشورهایی که دارای ویژگی‌های قومی مشترکی با ایران هستند، اهمیت موضوع قومیت‌ها را بیشتر می‌کند. در کشورهایی که با وجود تنوع قومیتی، تعامل مثبتی بین حکومت‌ها و قومیت‌ها وجود دارد، همبستگی و انسجام ملی وجود داشته و این مهم امکان استفاده از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های همه‌ی اقوام را فراهم می‌آورد و راه را برای توسعه و شکوفایی هموار می‌نماید.

همسو با این مساله، در این تحقیق به‌طور مشخص به دنبال آنیم که هر یک از اقوام تالش، ترک و گیلک ساکن شهرستان تالش با کدام گروه قومی دارای بیشترین تعاملات است؟ تعاملاتشان با سایر گروه‌های قومی از چه نوعی می‌باشد؟ دارای چه ذهنیتی نسبت به سایر گروه‌های قومی می‌باشند؟

لازم به ذکر است شهرستان تالش دومین شهرستان گیلان از نظر وسعت محسوب می‌شود و از نظر موقعیت نسبی در ساحل غربی دریای خزر واقع شده است. این شهرستان از شمال به آستارا از

جنوب به شهرستان‌های رضوانشهر و ماسال و از غرب به استان اردبیل محدود می‌شود. تالش به‌عنوان یکی از شهرستان‌های استان گیلان، جلوه‌گر تنوع و تکثر قومی می‌باشد. این شهرستان، علاوه بر قوم تالش که از ساکنان بومی این منطقه هستند، محل زندگی و کسب اقوام دیگری چون ترک‌ها، گیلک‌ها، تات‌ها، کردها و... است که طی سالیان متمادی به این منطقه مهاجرت کرده و ساکن شده‌اند. این پژوهش، کیفیت مناسبات بین اقوام تالش، ترک و گیلک ساکن شهرستان تالش را در چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

## ۲. پیشینه تجربی تحقیق

تا قبل از دهه ۱۹۶۰ میلادی موضوع تنوع قومی دل‌مشغولی زیادی برای اندیشمندان و جوامع ایجاد نمی‌کرد. برجسته شدن موضوع قومیت‌ها باعث انجام مطالعات و تحقیقات زیادی پس از دهه ۱۹۶۰ شد. در ذیل به برخی از نمونه مطالعات انجام شده خارجی و داخلی پرداخته‌ایم:

اورتاکووسکی<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان "اقلیت‌ها و روابط بین‌قومی در جمهوری مقدونیه" درباره روابط بین اقوام در مقدونیه با تمرکز ویژه بر روی جمعیت آلبانیایی به بحث و بررسی می‌پردازد، تا دلایل خشونت‌های اخیر را شناسایی کند. به نظر می‌رسد بر خلاف مشکلات و تنش‌های اخیر، فرایند سیاسی‌زدایی در جمهوری مقدونیه در خصوص روابط بین قومی، آرامشی را در کشور فراهم آورده است. اعضای ملیت‌ها در مقدونیه در رابطه با هویت مذهبی، زبانی، فرهنگی و نژادی خود از حمایت برخوردار هستند.

عسگر جوما گلدینوف<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان "روابط بین‌قومی و همسان‌سازی فرهنگی در قزاقستان" (۲۰۱۴) به بررسی اثر سیاست‌گذاری‌های قومی بر روابط قومی در قزاقستان پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که روس‌ها و سایر اقلیت‌های قومی در قزاقستان بر خلاف نظر اکثریت، احساس تبعیض می‌کنند. همچنین نتایج گواه آن است که درک اقلیت‌ها و اکثریت از این موضوع متاثر از روابط نامتقارن‌شان می‌باشد. بر پایه این تحقیق سیاست‌گذاری‌های ملی در خصوص یکپارچگی نتیجه عکس داشته است.

جنز رید گرن و دانا صوفی<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان "روابط بین‌قومی در شمال عراق؛ دلالی، سرمایه اجتماعی و پتانسیل مصالحه" به طرح این ایده می‌پردازند که روابط قومی در عراق

---

1. Ortakovski  
2. Askar Jumageldinov  
3. Jens Rydgren and Dana Sofi

به‌ویژه کرکوک از زمان فروپاشی رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ تحت تأثیر قرار گرفته است. علی‌رغم جدایی محل سکونت، مکان‌های زیادی برای تماس اجتماعی در سراسر مرزهای قومی وجود دارد. این احتمال وجود دارد که مردمی که خواهان برقراری ارتباط با دیگران باشند از فضای تعاملی مشترکی برخوردار شوند. در چنین شرایطی این احتمال وجود دارد که تماس‌های تصادفی که بین افراد برقرار می‌شود منجر به آشنایی آنها و رشد سرمایه اجتماعی بین قومی گردد.

گیوک لینگ اوی<sup>۱</sup> در تحقیقی با عنوان "نقش دولت توسعه‌گرا در روابط بین‌قومی در سنگاپور" (۲۰۱۰) به بررسی تاثیر سیاست‌های اقتصادی دولت در تنش‌های بین قومی پرداخته است. این مقاله نقش دولت در روابط بین‌چینی‌ها و مالایی‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای مساوات‌طلبانه نقش اثرگذاری در کاهش تنش‌های بین قومی داشته و سبب اصلاح رویکرد اقلیت‌های مذکور نسبت به دولت حاکم شده‌اند.

ادموند ترنس گومز<sup>۲</sup> در تحقیقی با عنوان "روابط بین‌قومی، تجارت و هویت: چینی‌ها در بریتانیا و مالزی" (۲۰۰۵) به بررسی رابطه بین هویت‌های قومی مشترک و تاثیر آن در شکل‌دهی به فعالیت تجاری در بین اقلیت‌های چینی‌تبار در بریتانیا و مالزی پرداخته است. آنچه که اهمیت این مطالعه را بیشتر می‌سازد تأکید بر رشد پیوندهای قومی در حوزه تجاری در دو کشور بریتانیا و مالزی می‌باشد. یکی از وجوه اشتراک پیوندهای بین قومی در حوزه تجارت در بریتانیا و مالزی این است که شرکای تجاری از زمینه طبقاتی مشترکی برخوردار هستند. در بریتانیا این شرکای تجاری عموماً از تحصیلات بالا و منابع مالی مناسبی برخوردار هستند.

استفانی را<sup>۳</sup> در مقاله‌ای با عنوان "روابط بین‌قومی در جنوب شرقی کامرون: به چالش کشیده شدن دوگانه شکارچی، گردآورنده خوراک-کشاورز" (۲۰۰۳) به بررسی روابط بین قومی در چهار گروه قومی ساکن در جنوب شرقی کامرون یعنی بنگندوها، با کاه‌ها، باکویل‌ها و مبالوم‌ها می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بنگندوها، با کاه‌ها، باکویل‌ها و مبالوم‌ها به‌جای اینکه تقسیمات قومی متصلب‌شان را به‌دلیل خودکفایی‌شان در تولید محصولات مورد نیاز حفظ نمایند، درگیر در شبکه‌های میان‌فامیلی، بین قومی، بین منطقه‌ای هستند که فی‌نفسه اموری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی محسوب می‌گردند.

- 
1. Giok Ling Ooi
  2. Edmund Terence Gomez
  3. Stephanie Rupp

برت آستین وی آس<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان "روابط بین‌قومی میان ژاوانته‌ها (بومیان) و غیربومیان در بارادو گراکاس برزیل" (۲۰۰۷) روابط بین ساکنان بومی و افراد غیر بومی منطقه با را دو گراکاس برزیل را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که آن دسته از ژاوانته‌هایی که در شهر سکونت دارند سعی می‌کنند تا با در پیش گرفتن استراتژی همانند شدن مورد تبعیض قرار نگیرند. غیربومیان نیز از برقراری ارتباط با بومیان به دلیل ترس و انزجار القایی داستان‌ها، روایت‌ها، فقدان دانش و بدفهمی‌ها، اجتناب می‌کنند. هر دو گروه شدیداً نسبت به یکدیگر پیش داوری دارند. امکان ادغام ژاوانته‌ها در جامعه بزرگتر ملی وجود ندارد. غیربومیان علاقه‌ای به پذیرش حقوق افراد بومی ندارند؛ چرا که آن را در تقابل با حقوق ملی خود تعریف می‌کنند.

محققان ایرانی نیز در طی سال‌های اخیر پژوهش‌های گوناگونی در خصوص رابطه هویت قومی و هویت ملی در ایران به انجام رسانده‌اند. در این بین، علی یوسفی (۱۳۸۰) در تحلیل ثانویه‌ای بر داده‌های یک پیمایش ملی تحت عنوان روابط "بین‌قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام" به این نتیجه می‌رسد که با افزایش همکاری‌های بین قومی که از ترکیب سه نوع رابطه‌ی فکری، عاطفی و معیشتی اقوام حاصل می‌شود؛ تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی افزایش پیدا می‌کند و در مقابل با افزایش تعارضات و خصومت‌های قومی تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی تضعیف می‌شود. ناصر فکوهی (۱۳۸۱) نیز با هدف بررسی تضاد یا همسازی میان سطوح مختلف هویت محلی (قومی) ملی و جهانی در بین قوم لر و با مطالعه شاخص‌های مهم سبک زندگی به این جمع‌بندی رسیده است که هویت ملی و هویت محلی همسازی‌های فراوانی با همدیگر دارند. هر چند هر کدام از آنها به حوزه‌های خاصی از رفتارها و نگرش‌های پاسخگویان تاثیرگذار هستند.

توسلی و قاسمی (۱۳۸۱) در تحقیقی تحت عنوان "مناسبات قومی و رابطه‌ی آن با تحول هویت جمعی (نمونه‌ی مورد مطالعه ایلام)" مشخص ساخته‌اند که با افزایش مناسبات و همکاری بین قومی، تعلق و وفاداری اقوام به واحدهای جمعی بزرگتر افزایش پیدا می‌کند و در مقابل با کاهش این مناسبات واحدهای جمعی خرد تقویت شده و واحدهای جمعی کلانتر تضعیف می‌گردد. در پژوهشی که مسعود چلبی و همکاران (۱۳۷۸) نیز تحت عنوان "هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی" انجام داده‌اند، مشخص شده است که تعهد به احساس هویت ملی رابطه‌ی مستقیمی با احساس هویت قومی دارد.

### ۳. مبانی نظری

قومیت به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی چند وجهی را می‌توان از منظر جامعه‌شناسان کلاسیک، نومارکسیست‌ها، کارکردگرایان، تعامل‌گرایان نمادین، زیست‌شناسی اجتماعی، نظریه انتخاب عقلانی، انسان‌شناسی اجتماعی، بر ساخت‌گرایی اجتماعی، نظریه‌نخبگان و... مورد بررسی قرار داد (مالشویچ، ۱۳۹۰؛ شیرازی، ۱۳۹۵؛ بالمر و سولوموز، ۱۳۸۱). اما در این مقاله به تناسب موضوع تحقیق از دیدگاه شبکه‌های اجتماعی برای پیش بردن مباحث نظری و فراهم ساختن یک پشتیبان نظری برای سؤالات تحقیق استفاده شده است.

بر پایه دیدگاه شبکه‌های اجتماعی (۱) سرمایه اجتماعی بین قومی برای ایجاد روابط قومی پایدار، امری اساسی است؛ (۲) سرمایه اجتماعی بین قومی از فضاهای تعامل متنوع قومی و فعالیت‌هایی که از طریق آن میانجی‌گران بین قومی رشد می‌کنند ناشی می‌شود؛ و (۳) محله‌ها، سازمان‌های داوطلبانه و -به‌ویژه- محل‌های کار با ایجاد میانجی‌گری بین قومی می‌توانند به‌طور بالقوه مؤثر باعث شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بین قومی شوند. قدرت رویکرد شبکه اجتماعی به توانایی‌اش در مفهوم‌پردازی کردن روابط بین شخصی بر می‌گردد. روابط بین شخصی در عین حال که باعث جهت‌دهی به جریان اطلاعات و حمایت از منابع فشار و حمایت اجتماعی می‌شود، می‌تواند به‌صورت اساسی باورها و کنش‌های افراد را تحت‌تأثیر قرار دهد (کاتز، ۱۹۵۷: ۱۲۵). به‌عبارتی می‌توان گفت که تعامل انسان از بعد مکانی برخوردار است و برای فهم تأثیر محیط اجتماعی بر نگرش و رفتار افراد می‌بایست به بستر عینی و به‌عبارتی محل عینی وقوع تعاملات توجه نمود. مفهوم «مقشب»<sup>۱</sup> (ترکیب مقوله + شبکه) (تیلی، ۱۹۷۸؛ وایت، ۱۹۹۲) در مطالعه روابط بین‌قومی یک مفهوم بنیادی است؛ به این دلیل که روابط قومی اساساً به سازمان اجتماعی و هویت‌یابی گره خورده است. ما به مجموعه چندگانه‌ای از مقولات اجتماعی مختلف نظیر جنسیت، شغل، طبقه، مذهب، قومیت، سبک زندگی و... تعلق داریم. این مقولات در عین برخورداری از سلسله مراتب ارزشی از استلزامات سیستماتیکی بر رفاه مردم (هکتر، ۲۰۰۰: ۹۸) برخوردار هستند. بر این اساس در شرایطی که مقولات قومی نسبت به سایر مقولات اجتماعی از وزن و اعتبار بیشتری برخوردار باشند، افراد غالباً خودشان را بر اساس این مقوله تعریف می‌نمایند و قومیت در باورها و کنش‌هایشان نمود بیشتری پیدا می‌کند. علاوه بر این مقشب می‌تواند از درجات مختلفی از انسداد<sup>۲</sup> برخوردار باشد. در حالت افراطی یک مقشب قومی کاملاً همگن است، در این حالت یک گروه قومی

1. Category-Network (Catnet)

2. Closure

از سایر گروه‌های قومی جدا می‌باشد. از جمله مفروضات اساسی که در این ارتباط می‌توان طرح نمود این است که تماس بین اعضای گروه‌های قومی مختلف باعث کاهش تعصب و پیش‌داوری و بیگانه‌ستیزی خواهد شد (آلپورت، ۱۹۵۴: ۲۶) در واقع برخوردهای بین افراد باعث افزایش اطلاعات دست اول از اعضا گروه‌های قومی می‌گردد. در چنین شرایطی عقاید قالبی قومی و پیش‌داوری و تعصب کم‌رنگ خواهند شد. این تماس‌ها همچنین باعث کسب آگاهی نسبت به این موضوع خواهند شد که اعضای گروه‌های قومی بیرونی همانند اعضای درون گروه قومی کاملاً یکدست و همگن نیستند. (ریدگرن، ۲۰۰۴: ۸۷). لذا بر اساس فرضیه تماس می‌توان گفت که افزایش در میزان تماس بین قومی احتمال بروز تضاد قومی و میزان آن را کاهش خواهد داد. در عین حال در اینجا یک فرضیه مخالفی را نیز می‌توان مطرح ساخت، بدین صورت که افزایش تعامل بین افراد باعث افزایش خصومت و دوستی به‌طور همزمان خواهد شد (کوزر، ۱۹۵۶: ۶۳)؛ چرا که افرادی که هرگز تماسی با هم نداشته‌اند، فرصت‌های اندکی برای تضاد با یکدیگر خواهند داشت.

در این ارتباط باید بین دو مفهوم تماس‌های اتفاقی و آشنایی واقعی تفاوت قائل شد (فوربس، ۱۹۹۷: ۲۰). تماس‌های اتفاقی به آن دسته از تماس‌هایی گفته می‌شود که امکان اجتناب از آنها در مناطق قومی ناهمگن و در زندگی روزمره وجود ندارد نظیر تماس در اتوبوس یا تماس هنگام خرید اجناس در سوپرمارکت‌ها. یک چنین تماس‌هایی نه تنها باعث کسب اطلاعات جدید در مورد گروه‌های قومی بیرونی و آشنایی با آنها نخواهد شد و بی‌اعتمادی و پیش‌داوری را کاهش نخواهد داد، بلکه برعکس باعث افزایش عقاید قالبی و پیش‌داوری خواهند شد (ریدگرن، ۲۰۰۴: ۱۶، فوربس، ۱۹۹۷: ۲۰).

به عبارتی بر پایه رویکرد حاضر در مناطقی و محلاتی که مقش‌شان به لحاظ قومی بر پایه انسداد و جدایی از دیگری شکل گرفته باشد، ناهمگنی قومی و در عین حال نزدیکی باعث افزایش احتمال تضادهای قومی خواهد شد. در واقع زمانی که دو یا چند گروه قومی در یک فضا به‌صورت مشترک زندگی کنند و از شبکه‌های اجتماعی مشترک برخوردار نباشند، در این صورت تضادهای قومی محتمل‌تر خواهد بود. از سوی دیگر در وضعیت‌هایی که مقش‌های قومی مستحکم و نسبتاً برای مدت زمانی طولانی از یکپارچگی برخوردار باشند، در آن صورت تضادهای قومی کاهش و مدارا در بین گروه‌های قومی افزایش پیدا خواهد کرد. به‌عبارت دیگر در حالی که ناهمگنی قومی فی‌نفسه می‌تواند باعث افزایش خطر تضادهای قومی شود، یکپارچگی قومی - که حاصل پیوندهای ناهمگن قومی می‌باشد - احتمال خصومت‌های بین قومی را در چنین بسترهایی کاهش خواهد داد (کافمن، ۱۹۹۶). این فضای تعاملی در خرده ساختارهایی نظیر خانواده، محل کار، همسایگی،



ازدواج و... شکل خواهد گرفت. چرا که افراد اکثر اوقات‌شان را در طول زندگی روزمره در این خرده ساختارها سپری خواهند کرد و در درون همان‌ها مناسبات و روابط اجتماعی شکل خواهند گرفت.

#### ۴. روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوی کیفی و مصاحبه عمیق یا نیمه‌ساخت‌یافته استفاده شده است. مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته که مصاحبه عمیق نیز نامیده می‌شود از مصاحبه ساختار یافته سهل تر است. در مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته هدف جستجوی واقعیت از فرد شرکت‌کننده با طرح سؤالی‌های باز محوری و اصلی است؛ لذا باید گفتگوها به صورت باز انجام شود و به مصاحبه‌شوندگان اجازه داده شود که عقاید و افکار خود را با کلمات مخصوص خود بیان کنند (استربرگ، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

انتخاب نمونه نیز بر مبنای نمونه‌گیری نظری یا هدفمند انجام گرفته و تلاش شده تا نمونه‌ها به درستی انتخاب شده و معرف جامعه خود باشند. به تناسب موضوع تحقیق جامعه آماری این پژوهش را اقوام تالش، ترک و گیلک ساکن شهرستان تالش تشکیل می‌دهند. در این روش بر تعداد نمونه‌های تحقیق تا بدانجا افزوده شد که به مرحله‌ی اشباع نظری برسیم.

#### ۵. مفاهیم تحقیق

##### ۵-۱. گروه قومی:

وبر گروه قومی را گروهی انسانی که به نیای مشترک خود به علت شباهت‌های فیزیکی یا اشتراک در آداب و رسوم و یا هر دو و یا به علت خاطرات گذشته استعماری یا مهاجرت، یا بر عکس، عقیده ذهنی دارند، تعریف می‌کند. به نظر و بر تشکیل گروه قومی موکول به کنش سیاسی، اجتماعی، عینی است (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۴۸).

##### ۵-۲. مناسبات بین قومی:

مناسبات اجتماعی شامل مجموع روابط اجتماعی بین اعضای دو یا چند گروه قومی است. در این تحقیق مناسبات فوق به چهار نوع عمده تقسیم می‌شوند: (۱) مناسبات اقتصادی مثل معاملات اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی مشترک؛ (۲) مناسبات سیاسی بین قومی، مثل ائتلاف بین قومی در مورد سرنوشت مدیریت قوم و اقوام؛ (۳) مناسبات اجتماعی مثل دوستی، معاشرت و خویشاوندی در

بین اعضای دو یا چند قوم؛ و ۴) مناسبات فرهنگی، مثل تبادل نظر و همکاری و همفکری بین اقوام (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۵).

### ۶. یافته‌های تحقیق

در این قسمت، مناسبات قومی بین گیلک‌ها، تالش‌ها و ترک‌ها در ۴ بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در قالب جداول زیر توضیح داده می‌شود.

جدول شماره ۱. مناسبات اجتماعی بین قوم تالش و ترک

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات اجتماعی	تالش و ترک	ازدواج	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	در مجموع روابط معمول و مثبتی بین اقوام تالش و ترک در هر پنج مقوله ازدواج، روابط همسایگی، شرکت در مراسم عزا و عروسی و روابط خانوادگی وجود دارد.
		روابط همسایگی	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		شرکت در مراسم عزا	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		شرکت در مراسم عروسی	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		روابط خانوادگی داشتن	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	

همانطور که در جدول شماره ۱ نیز مشاهده می‌شود کلیت نگاه تالشی‌ها و ترک‌ها نسبت به یکدیگر در ارتباط با مقولات ۵ گانه فوق مثبت است. بر پایه چارچوب نظری فوق می‌توان گفت که تثبیت شبکه‌ای از تماس‌های اجتماعی پایدار در بین اعضای این دو گروه قومی باعث شده که آنها ذهنیت مثبتی نسبت به یکدیگر پیدا کرده و شبکه درهم‌تنیده‌ای از مناسبات اجتماعی در بین‌شان شکل بگیرد.

جدول شماره ۲. مناسبات اجتماعی بین قوم تالش و گیلک

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات اجتماعی	تالش و گیلک	ازدواج	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	روابط معمول بین اقوام تالش و گیلک وجود دارد. هر دو گروه قومی نسبت به یکدیگر در حوزه مناسبات اجتماعی دیدگاه مثبتی دارند.
		روابط همسایگی	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		شرکت در مراسم عزا	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		شرکت در مراسم عروسی	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		روابط خانوادگی داشتن	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، تالشی‌ها و گیلک‌ها در حوزه مناسبات اجتماعی ذهنیت مثبتی نسبت به یکدیگر دارند و در عمل نیز انواع مقولاتی که دلالت بر مناسبات اجتماعی دارند در بین‌شان تحقق یافته است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این ارتباط می‌گوید: "با گیلک‌ها از دوران کودکی در محل زندگی و کارم آشنایی داشتم. در دوران دانشجویی هم با گیلک‌ها هم‌اتاقی بودم. تو فامیلامون با گیلک ازدواج داشتیم. پسر عموم با گیلک ازدواج کرده و هیچ مشکلی هم ندارن". از مجموع مصاحبه‌های صورت گرفته با گیلک‌ها هم بر می‌آید که آنها ذهنیت مثبتی نسبت به برقراری ارتباط با تالش‌ها دارند و این در زندگی آنها نمود عینی یافته است. یکی از مصاحبه‌شوندگان گیلک در خصوص تالش‌ها چنین می‌گوید: "ما همسایه‌های تالش زیاد داشتیم و خیلی هم روابط خوبی با هم داشتیم. رفت‌وآمد داشتیم و در مراسم عزا و عروسی هم شرکت می‌کردیم. تالش‌ها آدم‌های خوب و خونگرم و مهمان‌نواز و دست و دل‌بازند". گزاره‌هایی از این دست در بین مصاحبه‌شوندگان تالش و گیلک فراوان وجود دارد.

جدول شماره ۳. مناسبات اجتماعی بین قوم ترک و گیلک

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات اجتماعی	ترک و گیلک	ازدواج	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	هر جا از نزدیک برخورد داشتند و یا همسایه بودند؛ روابط معمولی بین آنها وجود داشته است. در غیر این صورت نوعی تعصب یا پیش‌داوری نسبت به یکدیگر دارند.
		روابط همسایگی	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		شرکت در مراسم عزا	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		شرکت در مراسم عروسی	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		روابط خانوادگی داشتن	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	

بر پایه‌های داده‌های موجود در جدول شماره ۳ می‌توان گفت که دو گروه قومی ترک و گیلک ساکن در تالش در مقولات ۵ گانه مربوط به مناسبات اجتماعی شبکه اجتماعی درهم‌تنیده‌ای را به وجود آورده‌اند. انواع مناسبات اجتماعی از ازدواج گرفته تا شرکت در مراسم عزا و عروسی در بین این دو گروه قومی دیده می‌شود. در این راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان ترک چنین می‌گوید: "تو همسایگی مون چند تا خانواده گیلک هستن... تو فامیلمون با گیلک‌ها وصلت کردن و از زندگی‌تون راضی هم هستن". نظیر چنین ذهنیتی در بین گیلک‌ها هم نسبت به ترک‌ها وجود دارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان گیلک در خصوص مناسبات اجتماعی چنین می‌گوید: "من از همه‌ی اقوام ترک و تالش و کرد، دوستانی دارم و هیچ فرقی هم بین‌شان نمی‌بینم. هممون آدمیم. من ترکی رو راحت صحبت می‌کنم. همه چی بستگی به خودت داره. اگه رفتارت با دیگران خوب باشه اونا هم رفتارشون با تو خوب میشه". چنین نگاهی نشان‌دهنده نگاه انسانی فارغ از تبعیضات قومی نسبت به یکدیگر است. اما نکته مهمی که در خصوص رابطه بین ترک‌ها و گیلک‌ها وجود دارد این است که برقراری تماس‌های اجتماعی این دو گروه قومی باعث شده که ذهنیت آنها نسبت به یکدیگر تعدیل شده و روابط و مناسبات مثبتی با یکدیگر داشته باشند. در این ارتباط می‌توان به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد. وی چنین می‌گفت: "... با گیلک‌ها فقط رابطه کاری دارم...

البته با گیلک‌های بزرگ‌شده تالش مشکلی ندارم و بالاخره همدیگر رو تحمل می‌کنیم. ولی گیلک های جای دیگه رو نه. نه اونا مارو قبول دارن و نه ما اونا رو". این گزاره موید یکی از مفروضات موجود در چارچوب نظری این تحقیق است؛ بدین معنا که برقراری تماس‌های اجتماعی دائمی می‌توان سبب نزدیک شدن دو گروه قومی گردد.

جدول شماره ۴. مناسبات اقتصادی بین قوم ترک و گیلک

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات اقتصادی	ترک و گیلک	معامله	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	بین آن‌ها روابط کاری و اقتصادی معمول و مثبتی وجود دارد. ترک‌ها، گیلک‌ها را ولخرج و خوش‌گذران می‌دانند که به ظاهرشان اهمیت می‌دهند. از نظر گیلک‌ها، ترک‌ها کار را عار نمی‌دانند، تحمل سختی‌های کار را دارند. در عین حال آنها ترک‌ها را حسابگر می‌دانند.
		شراکت	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		بده و بستان	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		روابط کاری	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	

جدول شماره ۴ نشانگر مناسبات اقتصادی بین دو قوم گیلک و ترک می‌باشد. مقولات گوناگونی که دلالت بر مناسبات اقتصادی دارند نظیر معامله، شراکت، بده بستان و روابط کاری در بین این دو گروه قومی دیده می‌شود. عمده مصاحبه‌شوندگان ترک در این ارتباط می‌گویند: "تو معاملات اقتصادی، نه قومیت و نه مذهب اصلاً برام مهم نیست". به عبارتی دیگر، از منظر ترک‌ها، قومیت باعث خلق تابو در حوزه مناسبات اقتصادی نمی‌شود و اصل تعیین‌کننده، سود است. به لحاظ ذهنی می‌توان گفت که ترک‌ها انگاره‌های ثابتی در خصوص منش اقتصادی گیلک‌ها ندارند. در عین وجود مناسبات اقتصادی، ترک‌ها از انگاره‌های مثبت و منفی در خصوص گیلک‌ها برخوردار هستند. یکی از مصاحبه‌شوندگان ترک، گیلک‌ها را در معاملات اقتصادی "ترسو" می‌داند، دیگری از منظری دیگر چنین می‌گوید: "با گیلک‌ها هم معامله دارم چون جنس مغازه‌ام رو از گیلک‌ها می‌خرم. از شون کلک و کم‌کاری ندیدم. خیلی آدم‌های درستکار و خوش‌حسابی هستن". گیلک‌ها نیز همانند ترک‌ها در حوزه مناسبات اقتصادی تابوی قومیتی ندارند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گیلک در این خصوص چنین می‌گوید: "از نظر روابط اقتصادی برام فرقی نمی‌کنه... هرکسی جنس خوب داشته باشه و

آدم قابل اعتمادی باشه ازش خرید می‌کنم". این انگاره در بین اکثر مصاحبه‌شوندگان گیلک دیده می‌شود. از نظر گیلک‌ها، ترک‌ها واجد خصوصیات مثبت و منفی هستند. گیلک‌ها سخت‌کوشی و جسارت و دقیق و منطقی بودن را در زمره خصوصیات اقتصادی مثبت و مقتصد بودن را در زمره خصوصیات اقتصادی منفی ترک‌ها ذکر کرده‌اند.

#### جدول شماره ۵. مناسبات اقتصادی بین قوم ترک و تالش

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات اقتصادی	ترک و تالش	معامله	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	روابط کاری معمول و مثبتی با هم دارند. تالش‌ها ترک‌ها را سخت‌کوش و در بازار موفق‌تر می‌بینند. ترک‌ها؛ تالش‌ها را دست‌ودلباز و البته کمی بی‌برنامه از نظر اقتصادی می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان هر دو قوم نقش اقتصادی تالش‌ها را امروزه بیشتر از گذشته‌ها می‌بینند. تالش‌ها قوم خود را به سبب عدم تعصبشان در معامله با ترک‌ها در موفقیت این قوم مؤثر می‌دانند.
		شراکت	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		بده بستان	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		روابط کاری	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	

همانطور که در جدول فوق مشخص است، انواع مناسبات اقتصادی از معامله گرفته تا شراکت و بده بستان و روابط کاری در بین اعضای این دو گروه قومی دیده می‌شود. گواه این امر ذهنیتی است که تالش‌ها نسبت به ترک‌ها در حوزه مناسبات اقتصادی دارند. آنها عدم سوگیری تالش‌ها در برقراری روابط اقتصادی با ترک‌ها را یکی از علل مهم موفقیت ترک‌ها می‌دانند. گزاره‌هایی از این دست "در انجام مراودات اقتصادی؛ چه خرید روزمره و چه معامله خودرو، خونه و غیره؛ برام هیچ فرقی نمی‌کنه که طرف مقابلم از چه قومی باشه. ترک و گیلک و کرد و دیگری؛ هیچ فرقی نداره" در بین تالش‌ها به وفور دیده می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت که هیچ ممنوعیتی در برقراری مناسبات اقتصادی با ترک‌ها در بین تالشی‌ها دیده نمی‌شود؛ چه مناسباتی که در آن سود مد نظر باشد و چه مناسباتی که به منظور همیاری و تعاون صورت پذیرد. اعضای گروه قومی تالش دیدگاه مثبتی نسبت به ترک‌ها در حوزه مناسبات اقتصادی دارند. آنها ترک‌ها را انسان‌هایی سخت‌کوش و موفق می‌دانند. ترک‌ها نیز در حوزه مناسبات اقتصادی از منطق عقلانیت ابزاری پیروی می‌کنند به عبارتی سود توجیه‌گر انواع مبادلات اقتصادی آنها با تالش‌ها می‌باشد. بنابراین هیچ محدودیتی در

مناسبات اقتصادی ترک‌ها و تالش‌ها وجود ندارد. آنها در عین حال در حوزه مناسبات اقتصادی تالش‌ها را فاقد نگاه دوراندیشانه می‌دانند.

جدول شماره ۶. مناسبات اقتصادی بین قوم گیلک و تالش

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات اقتصادی	گیلک و تالش	معامله	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	روابط معمول و مثبتی با هم دارند. در انجام معامله بین گیلک و تالش، قومیت اهمیتی ندارد. معاملات و بده بستان آن‌ها از مسئله هم‌جواری متأثر است. مناسبات اقتصادی بیشتری در قسمت جنوبی‌تر تالش بین گیلک و تالش وجود دارد.
		شراکت	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		بده بستان	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		روابط کاری	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	

در حوزه مناسبات اقتصادی بین دو گروه قومی گیلک و تالش منطق همجواری از تاثیرگذاری تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. به عبارتی همسو با مفروضه موجود در چارچوب نظری پشتیبان تحقیق می‌توان گفت که روابط پایدار باعث تعدیل ذهنیت‌ها و نهایتاً شکل‌گیری شبکه‌ای از مناسبات در حوزه‌های مختلف من جمله حوزه اقتصادی خواهد شد. گیلک‌ها در حوزه روابط اقتصادی با تالش‌ها تابوی قومیتی ندارند. منطق تعیین‌کننده در این حوزه، سود و بهره‌مندی و اخلاق است. یکی از گیلک‌ها در این خصوص چنین می‌گوید: "از نظر روابط اقتصادی برام فرقی نمی‌کنه. هرکسی جنس خوب داشته باشه و آدم قابل اعتمادی باشه ازش خرید می‌کنم". گیلک‌های ساکن تالش، تالش‌ها را از نظر اقتصادی، انسان‌های "زحمتکش" می‌دانند. به لحاظ ذهنی، تالش‌ها نگاه مثبتی نسبت به گیلک‌ها دارند و عمده پاسخگویان تالشی گیلک‌ها را انسان‌هایی می‌دانند که در حوزه زندگی روزمره خود "ولخرجی" می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان تالش در ارتباط با منش اقتصادی گیلک‌ها می‌گوید: "بیشترین خرید برای مغازه‌ام را با گیلک‌ها دارم. من... تو مناطق گیلک‌نشین کار کردم. اونا هم کم‌کارند و هم اهل حساب و کتاب نیستند". این نوع نگاه به گیلک‌ها به انحاء مختلف در بین مصاحبه‌شوندگان تالش دیده می‌شود و به نظر می‌رسد که به یک باور تعمیم‌یافته بدل گشته است.

## جدول شماره ۷. مناسبات فرهنگی بین قوم گیلک و تالش

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات فرهنگی	گیلک و تالش	احترام به مذهب	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	گیلک‌هایی که در تالش به دنیا آمدند از نظر فرهنگی؛ تفاوت‌ها را کم‌رنگ‌تر می‌دانند. بعضی از آن‌ها حتی می‌توانند به زبان تالشی صحبت کنند و احساس نزدیکی بیشتری به تالش‌ها دارند؛ و از نظر خلق‌وخو؛ تالش‌ها و گیلک‌ها را به هم شبیه‌تر می‌دانند.
		احترام به قومیت	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به زبان	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به موسیقی	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به تاریخ	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به پوشش	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به آداب‌ورسوم	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	

در جدول فوق، مناسبات فرهنگی بین تالش‌ها و گیلک‌ها مورد توجه قرار گرفته است. مرادفات بین دو گروه قومی گیلک و تالش سبب گشته که آنها احساس نزدیک خاصی نسبت به یکدیگر داشته باشند و برای قومیت، مذهب، زبان، موسیقی، تاریخ و سبک پوشش و آداب و رسوم یکدیگر احترام قائل شوند. در واقع همجواری این دو گروه قومی سبب شده که آنها از حالت سوژگی برای یکدیگر خارج شوند. همچنین مصاحبه‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که عمده تالش‌ها گیلک‌ها را افرادی "متساهل" و به قولی "باز" می‌دانند. تماس و نزدیکی بین گیلک‌ها و تالش‌های این منطقه سبب شده تا گیلک‌ها با گروه قومی تالش (به نسبت گیلک‌های مرکز استان) احساس همذات‌پنداری و درک بیشتری داشته باشند.



جدول شماره ۸. مناسبات فرهنگی بین قوم ترک و تالش

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات فرهنگی	ترک و تالش	احترام به مذهب	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	در مجموع هر دو قوم احساس می‌کنند از نظر آداب و رسوم، نسبت به گذشته به هم شبیه‌تر شده‌اند؛ به موسیقی یکدیگر گوش می‌کنند؛ تأثیرپذیری تالش‌ها در مقوله زبان از ترک‌ها بیشتر است به گونه‌ای که در برخی از نواحی شمال تالش؛ تالش‌ها به زبان ترکی صحبت می‌کنند. این دو گروه قومی ضمن احترام به مذهب یکدیگر، اغلب ترجیح می‌دهند با هم‌مذهب خودشان وصلت کنند. هر دو قوم از نظر رعایت بعضی از قیدوبندها فرهنگ ترک و تالش را به هم نزدیک‌تر دانستند تا فرهنگ گیلک‌ها.
		احترام به قومیت	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به زبان	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به موسیقی	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به تاریخ	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به پوشش	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به آداب و رسوم	تنیده شده / معنادار بودن عنصر تماس	

همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد دو قوم ترک و تالش از مناسبات فرهنگی در هم تنبیده‌ای برخوردار شده‌اند. این درهم‌تنیدگی فرهنگی در حدی است که در بعضی از نواحی تالش‌ها به زبان ترکی صحبت می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان تالش در این خصوص چنین می‌گوید: "اینجا بعضی از تالش‌ها ترکی حرف می‌زنن و اصلاً تالشی رو نمی‌فهمند". همچنین تالش‌ها نسبت به موسیقی ترکی نگاه بسیار مثبتی دارند. در این راستا می‌توان به نظرات برخی از مصاحبه‌شوندگان تالش اشاره کرد: "خب من تالشم و موسیقی تالشی رو دوست دارم. ولی به موسیقی ترکی هم خیلی علاقه دارم"، یا: "من موسیقی ترک‌ها رو خیلی دوست دارم هرچند ترکی زیاد بلد نیستم ولی موسیقی ترک‌ها خیلی غنی هست". از نظر ترک‌ها هم می‌توان گفت در اثر تماس‌های اجتماعی میزان مشابهت فرهنگی بین ترک‌ها و تالش‌ها فزونی یافته است. یکی از مصاحبه‌شوندگان ترک می‌گوید: "اینجا دیگه ترک‌ها و تالش‌ها از نظر فرهنگی خیلی به هم شبیه شدن". یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان ترک در این خصوص می‌گوید: "در کل سنت‌ها و نوع روابط اجتماعی و

سلیقه‌های زندگی تالش‌ها رو بیشتر می‌پسندم. آخه شبیه هم شدیم". این گزاره‌ها دلالت بر آن دارند که تماس اجتماعی بین ترک‌ها و تالش‌ها سبب شده شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی و متعاقب آن، نوعی مشابهت فرهنگی بین آنها ایجاد شود.

جدول شماره ۹. مناسبات فرهنگی بین قوم ترک و گیلک

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات فرهنگی	ترک و گیلک	احترام به مذهب	تنیده شده نسبی / معنادار بودن عنصر تماس	گیلک‌ها، فرهنگ ترک‌ها را سخت‌گیرانه می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان هر دو قوم در اثر برقراری رابطه نزدیک، دید مثبت‌تری نسبت به یکدیگر پیدا کردند. گیلک‌ها فرهنگ خود را به تالش‌ها نزدیک‌تر می‌دانند تا ترک‌ها. اغلب آن‌ها همچنین ترک‌ها را متعصب می‌دانند. ترک‌ها نیز از نظر فرهنگی و رعایت بعضی قیدوبندها، بین فرهنگ خود و گیلک‌ها فاصله بیشتری می‌بینند.
		احترام به قومیت	تنیده شده نسبی / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به زبان	تنیده شده نسبی / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به موسیقی	تنیده شده نسبی / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به تاریخ	تنیده شده نسبی / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به پوشش	تنیده شده نسبی / معنادار بودن عنصر تماس	
		احترام به آداب و رسوم	تنیده شده نسبی / معنادار بودن عنصر تماس	

در این جدول مناسبات فرهنگی بین ترک‌ها و گیلک‌ها مشخص شده است. مفروضات اساسی ماخوذ از چارچوب نظری در این جدول نیز مشاهده می‌شود. تماس بین گیلک‌ها و ترک‌ها سبب شده تا دیدگاه دو قوم ترک و گیلک نسبت به هم تعدیل گردد. تماس بین آنها سبب درهم‌تنیده شدن مجموعه‌ای از مناسبات فرهنگی بین دو گروه قوم ترک و گیلک شده است. اما این درهم‌تنیدگی به دلیل ذهنیت خاصی که آنها نسبت به همدیگر دارند، از نوع نسبی می‌باشد. به عبارتی در عین حال که احترام به زبان و مذهب و موسیقی و تاریخ از سوی هر دو قوم دیده می‌شود، اما هر دو گروه قومی فوق نسبت به برخی از آداب و رسوم و سبک پوشش‌شان ایراداتی را متوجه همدیگر

می‌دانند. به‌طور مثال ترک‌ها، گیلک‌ها را خیلی "باز" می‌دانند. یکی از مصاحبه‌شوندگان ترک در این خصوص می‌گوید: "گیلک‌ها خیلی به ظاهرشون اهمیت میدن و یه کم راحت‌طلب هستن و اگه خونه‌شون هیچی نداشته باشن هم؛ تیپ میزنن و می‌گردن. گیلک‌ها یه کم باز می‌گردن و به پوشش اهمیت نمیدن. ما ترک‌ها از نظر فرهنگی به تالش‌ها نزدیک‌تر هستیم". این گزاره بسامد بسیاری در بین ترک‌ها دارد. گیلک‌ها نیز، ترک‌ها را بسیار سنتی و "سخت‌گیر" می‌دانند.

جدول شماره ۱۰. مناسبات سیاسی بین قوم ترک و گیلک

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات سیاسی	ترک و گیلک	حمایت در انتخابات شوراها	تنیده شده / سویافته	قوم ترک؛ گیلک‌های مرکز استان را در محرومیت تالش مؤثر دانستند. از نظر آنان؛ نگاه گیلک‌های مرکز استان؛ به شرق و غرب گیلان با هم تفاوت دارد.
		حمایت در انتخابات مجلس	تنیده شده / سویافته	
		رابطه با مقام سیاسی	تنیده شده / سویافته	
		رفتارهای سیاسی	تنیده شده / سویافته	

جدول فوق بیانگر مناسبات سیاسی بین دو قوم ترک و گیلک می‌باشد. در ارتباط با مناسبات سیاسی و به‌طور خاص مشارکت سیاسی می‌توان گفت که بحث امکان بسیج اعضای یک قوم در حمایت از کاندیداهای برخاسته از قوم دیگر موضوعیت ندارد. این امر به‌طور مشخص در ارتباط با اعضای دو گروه قومی ترک و گیلک معنادار است. اغلب مصاحبه‌شوندگان ترک و گیلک قریب به این گزاره را بیان داشته‌اند که "تو مسائل سیاسی به قومیت نگاه نمی‌کنم. مثلاً دوره قبل تو انتخابات به تالشی رأی دادم من به شخصیت آدم‌ها نگاه می‌کنم. کسی باید بره مجلس یا تو شورای شهر که بتونه برای مردم کار کنه". در عین حال ترک‌ها نسبت به گیلک‌های مرکز نشین در حوزه سیاسی از نگاه بدبینانه‌ای برخوردار هستند و آنها را عامل محرومیت شهرستان تالش می‌دانند. آنها معتقدند که دلیل عمده محرومیت شهرستان تالش، بی‌توجهی به شایسته‌سالاری است. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان ترک چنین می‌گوید: "با اینکه شهرستان تالش آدم‌های تحصیل کرده و کاربلد زیادی دارد، ولی مناصب و مسئولیت‌ها با نفوذ گیلک‌ها از بالا به افراد با سلیقه‌های شخصی داده میشه". در مجموع می‌توان چنین گفت که این درهم‌تنیدگی مناسبات سیاسی خود را به‌طور

خاص تر در انتخابات سراسری مانند انتخابات ریاست جمهوری، که در آن منافع ملی موضوعیت پیدا می‌کند، بیشتر نشان می‌دهد.

#### جدول شماره ۱۱. مناسبات سیاسی بین قوم تالش و گیلک

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات سیاسی	تالش و گیلک	حمایت در انتخابات شوراها	تنیده شده / سویافته	تالش‌ها؛ گیلک‌های خارج از شهر تالش را نسبت به خود دارای تعصب قومی و مذهبی می‌دانند و علت عدم برخورداری و گاهی محرومیت را ناشی از همین تعصب می‌دانند.
		حمایت در انتخابات مجلس	تنیده شده / سویافته	
		رابطه با مقام سیاسی	تنیده شده / سویافته	
		رفتارهای سیاسی	تنیده شده / سویافته	

در جدول فوق مناسبات سیاسی بین دو قوم تالش و گیلک و مقوله‌های مرتبط با آن نشان داده شده است. قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان اظهار کردند که در حوزه مشارکت سیاسی، تالش و گیلک بودن برایشان اهمیتی ندارد. مثلاً در انتخاب افراد در بحث شورای شهر یا نمایندگی مجلس، آنچه برایشان اهمیت دارد، توانایی‌ها، شایستگی‌ها، صداقت و تخصص و کارایی کاندیدهاست. عمده مصاحبه‌شوندگان گیلک در خصوص مشارکت سیاسی عامل قومیت را مهم نمی‌دانند. گزاره‌ای از این دست که "من وقتی می‌خوام تو انتخابات شورای شهر یا نمایندگی مجلس رأی بدم، قومیت کاندیدا برام مهم نیست. درستکاری و سلامت و توانایی‌اش برام مهم‌تره و اینکه هرکسی که به درد مردم می‌خوره باید بره" از فراوانی زیادی برخوردار است. طبق آنچه از متن مصاحبه‌های مصاحبه‌شوندگان به دست آمد، غالب مصاحبه‌شوندگان از وجود تبعیض و نابرابری در توزیع و تخصیص منابع و مناصب شاکی‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گیلک در این خصوص معتقد بود: "من خودم برای یه کاری باید رشت مصاحبه می‌دادم. تا فهمیدن از تالش رفتیم، اصلاً تحویلیم نگرفتن. منم چیزی نگفتم، اصلاً دوست نداشتم به خاطر گیلک بودنم انتخابم کنن. گیلک‌های رشتی به تالش‌ها از بالا نگاه می‌کنن". در واقع چه گیلک‌ها و چه تالش‌ها صرف سکونت در تالش را سبب‌ساز نگاه بالا به پایین گیلک‌های مرکز نشین نسبت به خود می‌دانند.

جدول شماره ۱۲. مناسبات سیاسی بین قوم تالش و ترک

متغیرها	اقوام	مقولات	شبکه	شرح
مناسبات سیاسی	تالش و ترک	حمایت در انتخابات شوراها	تنیده شده	هر دو قوم تأثیر قومیت، مذهب و زبان را در رفتارهای سیاسی مانند شرکت در انتخابات؛ حمایت از کاندیداها؛ رفتار سیاسی و... بی تأثیر دانستند.
		حمایت در انتخابات مجلس	تنیده شده	
		رابطه با مقام سیاسی	تنیده شده	
		رفتارهای سیاسی	تنیده شده	

در ارتباط با مناسبات سیاسی همانطور که در جدول بالا مشخص است تداوم تماس اجتماعی بین ترک‌ها و تالش‌ها سبب گشته که این دو قوم از حالت سوژگی سیاسی برای یکدیگر به در آیند و فارغ از قومیت یکدیگر به مشارکت سیاسی مبادرت ورزند. یکی از مصاحبه‌شوندگان تالش در این خصوص چنین گفت: "متأسفانه ارتشا در استان ما خیلی زیاده. از نظر سیاسی من ترک‌ها رو بیشتر قبول دارم. ترک‌ها مثل ژاپنی‌ها هستن. کار براشون مهمتره. من اگه بخوام رأی بدم و کسی رو مجلس بفرستم. اصلاً و اصلاً قومیت و مذهب برام ملاک نیست. یک انسان متعهد و متخصص و تحصیل کرده". گزاره‌هایی از این دست در بین مصاحبه‌شوندگان تالش فراوانی زیادی دارد. به‌طور مثال "از نظر مناسبات سیاسی من قوم و مذهب رو در نظر نمی‌گیرم و به قومیت آدم‌ها توجه نمی‌کنم. اون کسی که می‌خوام بهش رأی بدم باید آدم خوبی باشه... " یا "من به آدم سالم و درستکار و صادق رأی میدم؛ و بعد می‌فرستم مجلس و بعدش هم هیچ کاری نمی‌کنند. در دوره قبل به چند نفر تو شورای شهر رأی دادم که اصلاً نمی‌دونستم چه مذهبی دارند و از چه قومیتی هستند مسائل سیاسی قومیت و مذهب آدم‌ها برام مهم نبود". ترک‌ها هم، چنین نگاهی نسبت به مناسبات سیاسی‌شان با تالش‌ها دارند. گزاره‌هایی از این دست در بین ترک‌ها فراوان دیده شده است: "در مورد مناسبات سیاسی در مواردی مثل انتخابات، به قومیت یا مذهب و زبان توجه نمی‌کنم اگر غیر ترک باشند و یا شیعه باشند اما اصلح باشد و توانایی و تخصص و شایستگی داشته باشد قطعاً همان رو انتخاب می‌کنم". در عین حال هر دو قوم در نگاه انتقادی‌شان نسبت به گیلک‌های مرکز استان وجه اشتراک دارند.

## ۷. نتیجه‌گیری

بر پایه دیدگاه شبکه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی بین قومی برای ایجاد روابط قومی پایدار اساسی است، و این سرمایه اجتماعی بین قومی از فضاهای تعامل متنوع قومی و فعالیت‌هایی که از طریق آن میانجی‌گران بین قومی رشد می‌کنند ناشی می‌شود، و محله‌ها، سازمان‌های داوطلبانه و - به‌ویژه - محل‌های کار با ایجاد میانجی‌گران بین قومی می‌توانند به‌طور بالقوه موثری باعث شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بین قومی شوند. زندگی اقوام تالش، ترک و گیلک در مجاورت و همسایگی یکدیگر، امکان تماس و تعامل روزمره را برای آنان فراهم آورده است. این تعاملات در کوچه و محل زندگی، فروشگاه‌ها و محل خرید و فروش، ادارات و مراسم‌های عزا و عروسی و... انجام می‌پذیرد. در اثر تماس‌های مداوم، آشنایی بیشتر و عمیق‌تر طی سالیان متوالی صورت گرفته و زمینه شکل‌گیری حس اعتماد اجتماعی و هنجارهای متقابل رفتاری را فراهم کرده، و به روابط عمیق‌تر و نزدیک‌تری چون ازدواج بین قومی انجامیده است. قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان تالش، ترک و گیلک بیان کردند که روابط و تعامل اجتماعی خوبی با همدیگر دارند. در مراسم عزا و عروسی همدیگر مشارکت می‌کنند، با بعضی از آنها رفت و آمد خانوادگی دارند و اغلب آنها با قوم مقابل وصلت داشتند، دختر دادند و عروس گرفتند. البته آنجایی که اعضای هر دو قوم، مذهب متفاوتی دارند، مسئله ازدواج تا حدودی تحت شعاع مسائل مذهبی قرار می‌گیرد. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان هر دو مذهب، تمایلی به ازدواج با غیر مذهب خود نشان ندادند. اما همدیگر را به‌عنوان دوست، همکار، همسایه، هم محلی، همشهری و... کاملاً پذیرفته‌اند.

از نظر مناسبات اقتصادی نیز، بین اقوام تالش، ترک و گیلک روابط کاملاً معمول و مثبتی وجود دارد. قومیت تأثیری در روابط اقتصادی آنان ندارد و به این مسئله فکر نمی‌کنند که دنبال هم زبان یا قوم خودشون برای معامله باشند. بنابراین مجموعه‌ای از هنجارهای اقتصادی در کنار روابط اجتماعی با نیت بازگشت سود در داد و ستد شکل گرفته و حس همکاری و اعتماد متقابل، سرمایه اجتماعی بین قومی به وجود آورده و این به تداوم روابط اقتصادی کمک می‌کند.

در بعد مناسبات فرهنگی بین قومی، آداب و رسوم و شیوه‌های قومی امروز در شهرستان تالش، از درجه تغییر و انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به گذشته برخوردارند. به نظر می‌رسد در شهرستان تالش که جمعیت ساکن آن از چندین قوم متفاوت تشکیل یافته است، حد قابل توجهی از همانندگردی انجام پذیرفته و تا حدودی نیز این همانندگردی دوجانبه است. می‌توان گفت اقوام تالش - ترک و به نسبت کمتری تالش - گیلک و، ترک - گیلک، خصوصیات فرهنگی قوم خود را تا حدودی تعدیل کرده‌اند، و تقریباً طبق آنچه که مصاحبه‌شوندگان بیان نمودند تا

حدودی شبیه و همانند یکدیگر شده‌اند. در مورد گویش، هرچه از مرکز تالش به سمت شمال می‌رویم به نظر می‌رسد زبان ترکی غالب شده است. اما از سمت مرکز به سمت جنوب، قوم تالش، زبان تالشی را حفظ کرده‌اند و در عین حال افرادی از هر دو قوم ترک و گیلک، کاملاً بر زبان تالشی مسلط هستند و مکالمه می‌کنند. قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان هر سه قوم، فرهنگ گیلک‌ها را سهل‌گیرانه، فرهنگ ترک‌ها را سخت‌گیرانه و فرهنگ تالش‌ها را مقید به آداب و رسوم سنتی می‌دانستند. قوم ترک فرهنگ تالش‌ها را به سبب رعایت بعضی تقیدها به فرهنگ خود نزدیک‌تر دانستند. همچنین قوم گیلک نیز ضمن اینکه فرهنگ تالش‌ها و ترک‌ها را سخت‌گیرانه دانستند، اما به لحاظ اینکه طی سال‌ها همجواری و همسایگی با تالش‌ها، با فرهنگ آنان عجین شده‌اند، احساس نزدیکی بیشتری به تالش‌ها می‌کنند تا ترک‌ها.

تماس عنصر تعیین‌کننده‌ای در تعاملات فرهنگی است. به‌گونه‌ای که اغلب مصاحبه‌شوندگان گیلک و ترک، اقوام خود را که در خارج از شهرستان تالش زندگی می‌کنند و مراوده‌ی نزدیک با تالش‌ها ندارند را متعصب می‌دانند. در واقع نکته قابل تأمل در این پژوهش، تصحیح باورها و تصورات نادرست در اثر مراوده و همسایگی اقوام بود. به‌عبارتی طبق آنچه در بحث نظری تحقیق اشاره شد برخورد‌های بین افراد باعث افزایش اطلاعات دست اول از اعضای گروه‌های قومی می‌گردد. در چنین شرایطی عقاید قالبی قومی و پیش‌داوری و تعصب کم‌رنگ خواهد شد.

با وجود اینکه اقوام ساکن تالش رابطه اجتماعی و اقتصادی خوبی با یکدیگر دارند، اما احساس خوبی نسبت به گیلک‌های مرکز استان ندارند. اغلب آن‌ها فکر می‌کنند گیلک‌های مرکز استان نگاه قومی و مذهبی به شهرستان تالش دارند و یا رابطه آن‌ها را با سطوح بالاتر دچار مشکل کرده‌اند. در نهایت، هرچند قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان اظهار کردند که از نظر مناسبات سیاسی، قومیت، برایشان اهمیتی ندارد اما طبق آنچه که از متن مصاحبه‌های مصاحبه‌شوندگان به‌دست آمد، غالب مصاحبه‌شوندگان از وجود تبعیض و نابرابری در توزیع و تخصیص منابع و مناصب شاکی‌اند و علت آن را در تفاوت‌های قومی و مذهبی جستجو می‌کنند.

## منابع

- استربرگ، کریستین جی (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی* (مترجم: احمد پوراحمد و علی شمعی). یزد: دانشگاه یزد.
- بالمر، مارتین؛ و سولوموز، جان (۱۳۸۱). *مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم* (مترجم: پرویز دلیرپور و سیدمحمدکمال سروریان). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توسلی، غلامعباس؛ و قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۱). «مناسبات قومی و رابطه‌ی آن با تحول هویت جمعی». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴ (۴): ۳-۲۵.
- چلبی، مسعود و همکاران (۱۳۷۸). *بررسی هویت قومی و رابطه‌ی آن با هویت ملی*، جلد اول. تهران: وزارت کشور.
- شیرازی، اصغر (۱۳۹۵). *ایرانیت، ملیت، قومیت*. تهران: نگاه.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی؛ مطالعه موردی استان لرستان». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴ (۴): ۱۶۱-۱۲۷.
- ملشویج، سینیشا (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی قومیت* (مترجم: پرویز دلیرپور). تهران: امه.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران: تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک پیمایش ملی. *مجله مطالعات ملی*، ۲ (۸): ۱۳-۴۲.
- Allport, G. W. (1954). *The Nature of Prejudice*. Reading MA: Addison-Wesley.
- Berte, S. (2007). *Interethnic Relations Between Xavante and Non-Indians in BARRA DO GARÇAS, BRAZIL*. Master Thesis 30 Credits.
- Coser, L. A. (1956). *The Function of Social Conflict*. Glencoe, IL: Free Press.
- Edmund, T. G. and Nicholas, T. (2005). *The State, Development and Identity in Multi-Ethnic Societies, Chapter 2: Inter-ethnic relations, business and identity: The Chinese in Britain and Malaysia*. London: Routledge.
- Forbes, H. D. (1997). *Ethnic Conflict: Commerce, Culture, and the Contact Hypothesis*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Giok, L. O. (2005). The Role of the Developmental State and Interethnic Relations in Singapore. *Asian ethnicity journal* , 6 (2): 109-120.
- Hechter, M. (2000). *Containing Nationalism*. Oxford: Oxford University Press.



- Jumageldinov, A. (2014). Cultural Identification and Interethnic relations IN Kazakhstan, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* (2014), 114: 782 – 786.
- Katz, E. (1957). The Two-Step Flow of Communication: An Up-to-Date Report on a Hypothesis, *Public Opinion Quarterly*, 21: 61–78.
- Kaufmann, C. (1996). Possible and Impossible Solutions to Ethnic Wars, *International Security*, 20 (4): 136–75.
- Ortakovski, V. T. (2001). Interethnic Relation and Minorities in the Republic of Macedonia. *Sotheast European Politics*; 2 (1): 24 – 45.
- Rupp, S. (2003). Interethnic Relations in Southeastern Cameroon: Challenging the “Hunter-Gatherer”- “Farmer” Dichotomy. *African Study Monographs, Suppl*, 28: 37-56.
- Rydgren, J. (2004). The Logic of Xenophobia. *Rationality and Society*, 16 (2): 123–48.
- Rydgren, J. & Dana, S. (2011). Interethnic Relations in Northern Iraq: Brokerage, Social Capital and the Potential for Reconciliation, *International Sociology*, 26 (1): 25 – 49.
- Tilly, C. (1978). *From Mobilization to Revolution*. New York: McGraw-Hill.
- White, H. C. (1965). *Notes on the Constituents of Social Structure*. Department of Sociology, Harvard University, mimeo.